

گفت‌وگویی جذاب و فواندنی با سید جواد هاشمی به سخیف بودن سینما انتقاد دارم!

سید جواد هاشمی را از سالیان پیش می‌شناسم، از زمانی که به عنوان معلم در مدارس جنوب شهر تدریس میکرد، یا آن زمان که در کانون فرهنگی "حر" در میدان راه آهن به نوجوانان تئاتر و سرود آموزش میداد. شاید از آن روزها، سالها گذشته باشد، اما عشق به آموزش و دلنگرانی نسبت به آینده کودکان و نوجوانان این دیار از ذهن و روح هاشمی نرفته و شاید همین مهم او را بر آن داشته تا به عنوان اولین تجربه‌های کارگردانی‌اش برای گروههای سنی الف، ب و جیم فیلم تهیه و تولید کند. به بهانه اکران فیلم "پیشونی سفید ۲" با او به گپ و گفت نشستیم.

دنیای هنر و به طور خاصه سینما شوم، همین اهتمام در عکاسی دوران دفاع مقدس و شرکت در واحدهای تبلیغاتی بود. من شاید بیشتر از ۴-۳ هزار عکس از آن دوران گرفتم.

✘ شما جزء گروههای تئاتری که به جبهه می‌رفتند و اجرا می‌کردند هم بودید؟

بله، من هم گروه خودم را به جبهه می‌بردم و فکر می‌کنم ۱۳ دوره این اتفاق افتاد. گروههای سرود می‌بردم و در خط مقدم جبهه سرود می‌خواندیم. دوره‌های ما ۱۵ تا ۴۵ روزه بود؛ یعنی گاهی ما ۴۵ روز بچه‌های گروه را به خط مقدم می‌بردیم و سرود می‌خواندیم. شهید علیرضا جلیلی جزء بچه‌های گروه ما بود که در همان دوران به شهادت رسید. آن موقع فعالیت تبلیغات جنگ در حوزه اجرای کارهای هنری در جبهه بود. من بسیاری از گروههایی را که به جبهه می‌آمدند به جاهای مختلف اعزام می‌کردم تا اجرا کنند. آدمهای بزرگی جزء گروههای هنری حاضر در جبهه بودند که در حال حاضر هم مشغول فعالیت هستند.

✘ اشاره کردید که در دوران جنگ با

آقای رسول ملاقلی‌پور عکاسی می‌کردید اما بعد ایشان یکی دو فیلم ساخت و شما فقط به او بازیگر معرفی کردید. در نهایت خودتان هم در فیلم "پرواز در شب" آقای ملاقلی‌پور بازی کردید. به زعم من آن فیلم هنوز یکی از بهترین آثار سینمای دفاع مقدس و از بهترین آثار خود آقای ملاقلی‌پور است. همکاری با آقای ملاقلی‌پور چطور بود؟

آقای ملاقلی‌پور من را برای فیلم "بلمی به سوی ساحل" هم دعوت کردند منتها من آن موقع معلم بودم و آموزش و پرورش و مدرسه اجازه رفتن به سر فیلمبرداری را به من نمی‌دادند. حدود ۴-۵ ماه که از زمان ساخت فیلم "بلمی به سوی ساحل" گذشت، من جبهه بودم و به همین خاطر به آقای ملاقلی‌پور گفتم من نمی‌آیم. فکر می‌کنم در نهایت آن نقش را آقای بهزاد بهزادپور به جای

عکس برای کدام عکاس است. این ماجرا باعث دوستی و آشنایی ما شد. پس از مدتی او با آقای جمال شورجه به دنبال انتخاب بازیگر بودند. در حقیقت همان آشنایی باعث شد که من از طریق کار با بچه‌ها در مرکز فرهنگی معراج در منطقه ۱۱ آموزش و پرورش وارد عالم سینما شوم و در فیلم "پرواز در شب" بازی کنم. در ادامه در فیلمهای مختلف ایفای نقش کردم اما همیشه خودم را مدیون بچه‌ها می‌دانم.

✘ یکی از ماندگارترین آثاری که از دوران

دفاع مقدس باقی مانده است همین عکسهای است که امثال شما از جنگ گرفته‌اید. شاید آن موقع به ارزش عکسها واقف نبودند ولی الان مشخص می‌شود که پافشاریهای شما، رسول ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا و عکاسان دیگر چقدر ارزشمند بوده است چون الان می‌شود از آن عکسها به عنوان مستندات جنگ حرف زد. شما سن کمی داشتید که به منطقه رفتید و عکاسی کردید، چطور این اتفاق افتاد؟

بسیاری از عکسهای من از دوران جنگ منتشر شده است ولی هیچ کس نمی‌داند عکسها متعلق به من است. من عکسها و کادراهای خودم و آدمهایی که در عکس هستند و شهید شده‌اند را می‌شناسم. عکسهایی که من در واحد تبلیغات "الشکر ۲۷" محمد رسول‌الله" گرفتم در تاریخ عکاسی جنگ به ثبت رسیده است. ۱۸ یا ۱۹ سالم بود که آن عکسها را گرفتم و چون حرفه‌ای محسوب نمی‌شدم، همیشه عکسهای من بدون نام منتشر می‌شد. تقریباً ۵۰ درصد سلسله عکسهایی که از فاو گرفته شده را من گرفتم. حتی فیلمهایی ثبت شده که خودم آنها را ندیده‌ام چون آن موقع فرصت چاپشان را نداشتیم. برخی از آن فیلمها جزء سندهای مهم جنگ است. احتمالاً برخی از آنها در حال حاضر منتشر شده است. عکسها و فیلمهای جنگ بدون شک اهمیت ویژه‌ای دارند. فکر می‌کنم یکی از مواردی که باعث شد من وارد

✘ آقای هاشمی، اجازه دهید گفت‌وگو را با فعالیت‌های شما در آموزش و پرورش و کانون فرهنگی حر شروع کنیم چون ممکن است برخی از مخاطبان در جریان نباشند که شما سالها در تئاتر و مدارس به نوجوانان تدریس می‌کردید و به همین خاطر احتمالاً از اینکه برای اولین تجربه کارگردانی در سینما به سراغ کارگردانی فیلم کودک و نوجوان رفته‌اید، متعجب شده‌اند. در مورد سابقه‌تان در زمینه تدریس و فعالیت با نوجوانان توضیح دهید.

من با بچه‌ها بزرگ شده و زندگی کرده‌ام. در واقع بچه‌ها باعث رشد من در زمینه‌های مختلف هنری شده‌اند، چه در عرصه تئاتر و چه در عرصه موسیقی، شعر، نویسندگی و حتی بازیگری. من بازیگری را پیش از ورود به آموزش و پرورش انجام می‌دادم ولی انگیزه کار با بچه‌ها باعث شد که در کارهای خودم هم بازی کنم. تئاترهایی که با بچه‌ها کار می‌کردم دستمایه اتفاقات تجربی دل‌انگیزی در دوران جوانی من برای حضور در فیلمهای سینمایی از جمله "پرواز در شب" به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور شد. من پیش از آن یک گروه خوب تئاتری داشتم که بازیگران نوجوان خودم را به کارهای آقای ملاقلی‌پور معرفی می‌کردم. مثلاً علی یعقوب‌زاده یکی از کسانی است که من به آقای ملاقلی‌پور معرفی کردم. ما در کانون حر بودیم و علی یعقوب‌زاده در یکی از مدارس مناطق ۱۶ درس می‌خواند. من ۱۸ سالم بود که معلم شدم و در کانون حر شروع به فعالیت در زمینه تئاتر کردم. حتی ابوالفضل دهقانیان را هم من به آقای ملاقلی‌پور معرفی کردم. ابوالفضل فاصله سنی چندانی با من نداشت، شاید خود او هم این داستان را نداشت که من معرفی او به آقای ملاقلی‌پور بودم. من و رسول ملاقلی‌پور هر دو عکاس جنگ بودیم. گاهی عکسهای ما با همدیگر جابه‌جا می‌شد چون آن موقع عکسها را به اسم نمی‌زدند و ما با هم سر این موضوع بحث می‌کردیم که کدام